

موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی

مجید کریم زاده*

مهرناز فیاضی**

فائزه میرکازهی ریگی***

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان به روش توصیفی - پیمایشی انجام گرفته است. نمونه آماری تحقیق، شامل ۲۱۰ نفر از فعالین اجتماعی زن بلوچ بوده که به صورت نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. و برای تحلیل داده ها از آزمون های t تک نمونه ای، آزمون فریدمن و تحلیل توصیفی استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که ساختار فرهنگی، ساختار اجتماعی، موانع اقتصادی، موانع قانونی و موانع آموزشی در پایین بودن مشارکت زنان بلوچ نقش دارد. بر طبق نظر پاسخ دهندگان موانع اقتصادی و ساختار اجتماعی دارای بیشترین و موانع آموزشی دارای کمترین نقش بر میزان مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی هستند.

کلید واژگان: مشارکت، فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، زنان بلوچ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

*استادیار گروه اقتصاد، مجتمع آموزش عالی سراوان، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: Karimzadeh111@yahoo.com)

**دانشجوی رشته اقتصاد، مجتمع آموزش عالی سراوان، ایران.

***دانشجوی رشته اقتصاد، مجتمع آموزش عالی سراوان، ایران.

مقدمه

اصطلاح "زنان در توسعه" اولین بار توسط کمیته ی زنان واشنگتن دی سی، بخشی از انجمن توسعه ی بین المللی مطرح شده است (از کیا، صفری شالی و رحمانپور، ۱۳۸۴). در دنیای امروزی، کشورها به منظور پیشرفت و بقا با تمام توان در جهت ایجاد توسعه پایدار تلاش می کنند. توسعه پایدار را توسعه انسان محور تعریف کرده اند که موجب بیشترین تغییر مثبت و ماندگار در افراد جامعه می شود. فراگیری این تغییرات در همه قشرهای اجتماعی و درگیر کردن تمامی افراد و گروه ها در فرایند توسعه، مهمترین وجه تمایز توسعه پایدار از تعریف های پیشین توسعه یافتگی به شمار می رود. با این وصف، زنان که تا سده های اخیر معمولاً نه موضوع تحول و تغییر بوده اند و نه منشا تغییر، در توسعه پایدار نقش محوری بر عهده دارند. در واقع شرط توسعه پایدار حضور و مشارکت واقعی زنان در فرایند توسعه است (نجاتی آجی بیشه و جمالی، ۱۳۸۶). توسعه انسانی، هنگامی ممکن می شود که به عامل انسانی اعم از مرد و زن بطور همزمان توجه شود (پاسبان، ۱۳۸۵). مشارکت بالای زنان می تواند به عنوان نیروی فعال باعث رشد و شکوفای کشورها گردد (علیقلی، ۱۳۹۵).

با توجه به بررسی هایی که در زمینه ی مشارکت زنان در امور جامعه انجام گرفته، نشان داده شده است که عوامل اجتماعی، فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مردان و زنان، موانع مهمی بر سر راه مشارکت زنان است، از این رو در دهه ی ۱۹۸۰، به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح "جنسیت در توسعه" به کار گرفته شد و در پی آن، در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن این موانع اتخاذ گردید. یکی از این راهبردها توانمندسازی زنان با تاکید بر این نکته است که مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه های توسعه نیست بلکه آنان باید در اجرای برنامه ها و طرحهای توسعه اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند (زندى، دامن کشیده و مراد حاصل، ۱۳۹۱).

در عرصه جهانی، نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶۵ الی ۷۰ درصد و زنان حدود ۴۵ درصد است که این میزان در کشور ما برای مردان حدود ۶۲ درصد اما برای زنان این میزان بسیار پایین تر و در حدود ۱۷ درصد است. همچنین آمار مشارکت زنان در ساختار مدیریت سیاسی کشور در کنار توضیح وضعیت مشارکت زنان در شاخص های مدیریتی نیز از سوی دیگر نشان می دهد زنان برای مشارکت و حضور در جامعه با موانع جدی روبرو هستند (علی حسینی و نظری، ۱۳۹۵). برخی از مسائل و مشکلات اشتغال زنان، موانع توسعه ای است که به ساختار کشورها مربوط می شود و بخشی از آن موانع غیر توسعه ای و غیر ساختاری می باشد. از موانع توسعه ای؛ موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می توان نام برد و موانع غیر توسعه ای نیز به ویژگی های شخصیتی و فیزیولوژی زنان باز می گردد (علیزاده، ۱۳۸۹). از موانع مهم تاثیرگذار فرهنگی موجود در جامعه می توان به باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت ها، عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق شهروندی خود، عدم آگاهی زنان از زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی موجود برای فعالیت، بالاتر بودن نرخ بی سوادى زنان نسبت به مردان یاد کرد. مهمترین راه دستیابی به توسعه فرهنگی، آموزش و پرورش زنان است. که در این زمینه دو نهاد مدرسه و خانواده مهمترین عوامل در آموزش، تربیت و جامعه پذیری زنان می باشند. ناکافی بودن آموزش در مورد زنان نسبت به مردان، فرصت رشد و ارتقاء شخصیت وجودی زنان را دچار مشکل می نماید و شرایط

سختی برای اشتغال آنان ایجاد می نماید که باعث می شود زنان در زمینه های شغلی، یا شرایط مساوی با مردان را نداشته و اگر هم در شرایط مساوی با آنان باشند، کارفرمایان و مدیران با ابهاماتی که برای آنان نسبت به زنان وجود دارد و تصورات و پیشداوری های منفی نسبت به کار زنان، مردان را بر آنان ترجیح خواهند داد. از مهمترین موانع اقتصادی پیش روی زنان می توان به دسترسی پایین زنان به اعتبارات بانکی، کمبود متخصصین و کارآفرینان زن، پایین بودن دستمزد زنان در مقایسه با مردان، فقدان صنف و اتحادیه زنان جهت حمایت از فعالیت های اقتصادی زنان، ناکافی بودن برنامه ها و سرمایه گذاری های دولت در زمینه اشتغال زنان و ... نام برد. موانع قانونی نیز، تاثیر گذار بر موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است، تدوین ساز و کارهای قانونی و حمایتی برای اشتغال در محیط های کار برای زنان ضروری است. موانع آموزشی، شامل نارسایی در آموزش های کاربردی، عدم کسب تجربه عملی کافی در زمینه فعالیتهای مختلف و نبود مراکز و برنامه های آموزشی تاثیر بسزایی در مشارکت پایین زنان دارد.

تغییر دید فرهنگی درباره ی حضور زنان و برداشتن اعتقادات سخت و غیرمنطقی در این زمینه، و تلاش برای آماده کردن محیط به جهت فعالیت و مولد بودن این قشر عظیم جامعه، می تواند ایجاد کننده ی رفاه اجتماعی برای سایر اعضای حاضر در جوامع باشد. این کار از طریق آموزش و ترویج فرهنگ جدید و از سوی دیگر افزایش توانمند سازی زنان در کنار ارتقاء علمی و تحصیلی امکان پذیر بوده و آنان را قادر خواهد ساخت با کسب درآمد مستقل و مشارکت در تصمیم گیری های خانواده به عنوان یک فرد از جامعه، با دید وسیعتر به مسائل و مشکلات اجتماع نگرسته و ابراز وجود کنند و در عین حال تأثیر حضور و اشتغال آنان بیش از پیش در بین جوامع دیده و احساس شود (موسوی، عمانی و اللهیاری، ۱۳۸۹). چنانچه به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگرسته شود قطعاً تأثیر بسیاری در روند توسعه و افزایش کمی و کیفی نیروی انسانی آن جامعه خواهد داشت.

در قالب فرهنگ سنتی و قبیله ای منطقه بلوچستان می توان اذعان نمود علی رغم بهبود نسبی وضعیت در سالهای اخیر، زنان بلوچ هنوز مشارکت واقعی در جامعه خود ندارند. در استان سیستان و بلوچستان نرخ مشارکت اقتصادی براساس آمار سال ۱۳۹۰ برای مردان ۴۲٫۱ و برای زنان ۷٫۵ درصد بوده است. بر اساس آمار، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در استان سیستان و بلوچستان کمتر از استان های دیگر است و این درحالی است که از نظر میزان سواد و تحصیلات در سالهای اخیر پیشرفت های زیادی در منطقه صورت گرفته است. امروزه با گسترش نظام آموزشی و تحصیل راحت تر و بهتر، نظام ارزشی خانواده های خواسته و یاناً خواسته به سمت مدرن شدن در حرکت است. مطالعات نشان می دهد تفاوت مشارکت اقتصادی و حتی اجتماعی زنان در مناطق مختلف بیش از آنکه ناشی از عوامل اقتصادی باشد، از عوامل مربوط به نظام های ارزشی و سنتی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن منطقه ناشی می شود. بنابراین هدف این پژوهش شناسایی و بررسی موانعی درونی و نشأت گرفته از جنسیت زنان و بیرونی و محیطی که تواما تأثیر بسزایی در مشارکت و یا عدم مشارکت زنان بلوچ در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارند.

پیشینه تحقیق

اسفیدانی (۱۳۸۱) در مطالعه خود در صدد پاسخگویی به این سوال بوده که با وجود اینکه در سالهای اخیر پیشرفت های محسوسی در زمینه تحصیلات و مشارکت های اجتماعی زنان در کشور حاصل شده،

چرا زنان نتوانسته اند سهم شایسته ای از پست های مدیریتی قوه مجریه را به خود اختصاص دهند؟ نتایج این پژوهش نشان داد که فرهنگ سازمانی باعث عدم حضور زنان در پست های مدیریت دولتی شده است. همچنین مدیران مرد نسبت به توانایی های زنان نگرش مثبتی ندارند.

نجاتی آجی بیسه و جمالی (۱۳۸۶) در پژوهش خود در پاسخ به: موانع ارتقای شغلی زنان کدامند؟ تفاوت های برداشتی در خصوص موانع ارتقای شغلی میان گروه های فرعی زنان کدامند؟ خط مشی ها و برنامه های بهبودی برای بهبود فرایند ارتقای شغلی زنان کدامند؟ ارتباط میان ارتقای شغلی و عدالت به چه صورت است؟ این نتایج بدست آمده اند که یک رابطه مستقیم و منفی میان عدالت مرادده ای و موانع ارتقای شغلی و همچنین میان عدالت توزیعی و موانع ارتقای شغلی وجود دارد. همچنین نبود حمایت سازمانی، محدودیت های شغلی و باورهای غلط اجتماعی، اصلی ترین موانع تعیین شده به وسیله پاسخگویان است. میرغفوری، صیادی تورانلو و فهیمی هنزایی (۱۳۸۶) در تحقیق خود اقدام به شناسایی و رتبه بندی موانع موثر بر فعالیتهای کارآفرینی زنان نمودند. نتایج این رتبه بندی نشان می دهد که موانع فرهنگی و مالی مهمترین موانع در کارآفرینی زنان در استان یزد می باشند. کجساف و کاظمی (۱۳۸۷) به بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی پرداختند. بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که عوامل نگرشی و پیش داوری، مهم ترین عواملی اند که با جلوگیری از حضور زنان در جایگاه های مدیریتی، منجر به شیوه هایی سازمانی با عنوان سقف شیشه ای می شوند. نتایج این پژوهش نشان داد که مردان نسبت به مدیریت زنان نگرشی منفی دارند و عوامل فردی و شخصیتی را از موانع مدیریت آنان می دانند، در حالی که زنانی که نگرش مثبت داشتند، عوامل اجتماعی و فرهنگی را به عنوان موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی بیان می کنند.

موسوی، عمانی و اللهیاری (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای تولیدی زراعی پرداختند. بر اساس نتایج به دست آمده، زنان روستایی از بعد ویژگیهای اجتماعی (مشارکت اجتماعی و منزلت اجتماعی) در سطح متوسطی قرار دارند. نتایج تحقیق مشخص نمود که پنج عامل تقریباً ۵۱ درصد از موانع و مشکلات زنان روستایی را توضیح می دهند که این عوامل به ترتیب شامل ساختار اجتماعی، ساختار فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع آموزشی و ساختار اراضی زراعی می باشند. دیوسالار، نقوی و پایدار (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی و تحلیل موانع فعالیت زنان روستایی پرداختند. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل موانع فعالیت زنان در مناطق روستایی بود. نتایج این تحلیل نشان داد که بین شاخص های فردی، اجتماعی و خانوادگی تاثیرگذار بر موانع فعالیت زنان همبستگی معناداری وجود دارد.

فرضی زاده، متوسلی و طالب (۱۳۹۲) به بررسی جامعه شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان و موانع پیش روی آنان پرداختند. نتایج نشان داد که از دید افراد بومی، مهم ترین مولفه توانمندی اجتماعی زنان، ازدواج و مهم ترین مولفه توانمندی اقتصادی، کار است. براساس نظر پاسخگویان برخی از عوامل موثر در رشد توانمندی عبارت اند از: زندگی چند خویشاوند در کنار هم، خانواده گرایی، سرمایه اجتماعی، همیاری، همبستگی اجتماعی، حمایت از یکدیگر، دسترسی به برخی امکانات، انگیزه برای سخت کوشی. بی سواد یا کم سواد، ازدواج زودهنگام، مجرد دختران، ازدواج ناموفق، زندگی در خانواده گسترده، حرف مردم، ضعف مالی، نگرش درباره مکان کار، نبود امکانات بازاریابی، ضعف سرمایه اطلاعاتی، وضعیت نامساعد حامی، تبعیض، و تداوم هنجارهای غیررسمی محدود کننده، به ضعف توانمندی اجتماعی و اقتصادی دختران

و زنان روستایی می انجامد. براساس نتایج این تحقیق هنوز موانع بسیاری برای رشد توانمندی دختران و زنان روستایی وجود دارد که ریشه همه موانع مذکور، ضعف دانش و آگاهی (در سطح خرد و کلان جامعه) است. علیدوست و لشگرآرا (۱۳۹۲) در بررسی خود با عنوان "موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی" به این نتیجه گیری رسیدند که از میان موانع مورد مطالعه دو متغیر موانع اقتصادی و آموزشی در مجموع بیشترین تاثیر گذاری را بعنوان موانع اصلی در مشارکت زنان دارند.

زنجان و آبرون (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی موانع ارتقای شغلی زنان و اثر آن بر بهره وری پرداختند. براساس یافته های پژوهشگران به رغم حضور موثر زنان در مقاطع تحصیلی عالی و احراز شایستگی های عمومی، هنوز حضور زنان در استفاده از فرصت های استخدامی و دستیابی به سطوح بالاتر شغلی ناچیز و تعداد زنانی که توانسته اند در سطوح عالی مدیریتی منصوب شوند، بسیار اندک است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که از بین متغیرهای تحقیق یعنی موانع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، بیولوژیکی، سازمانی و روان شناختی؛ موانع بیولوژیکی با ۴۸٫۱ درصد بالاترین تاثیر و موانع سازمانی با ۱۱٫۲ درصد کمترین تاثیر را بر نداشتن ارتقای شغلی می گذارد.

عامری، سهرابی رنانی، حسینی راد و دائی (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان "موانع مشارکت زنان در فعالیت های فرهنگی" عنوان نموده اند که میزان نقش و مشارکت زنان در جامعه به ویژه در زمینه های فرهنگی و اجتماعی تا حد زیادی به برخورد و نگرش آن جامعه نسبت به زنان بستگی دارد. در صورتی که به زن به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، حضور و مشارکت حقیقی زنان در عرصه های مختلف فعالیتها افزایش می یابد. مشارکت فعال زنان، در فعالیت های فرهنگی جامعه مسئله ای است که از دیر باز با موانع و مشکلات فراوانی رو به رو بوده است. به طوری که این موانع در قالب های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و... جلوه نموده است و هر کدام میتوانند در میزان و مشارکت زنان در فعالیتها موثر باشند. یافته های این پژوهشگران نشان داد که نقش مردسالاری، به عنوان مانع مشارکت زنان در فعالیتهای فرهنگی، بالاتر از سطح متوسط است. علی حسینی و نظری (۱۳۹۵) در پژوهش خود در باب مشارکت سیاسی زنان در ایران به این نتایج رسیدن که مشارکت سیاسی زنان در شاخص های سیاسی در سطح کشور به دلیل برخی محدودیت ها و مشکلات یکسان نیست و طیفی از عدم حضور مشارکت، مشارکت اندک و حضور مناسب تر را دربر می گیرد.

بامگوسه و کونگولو^۱ (۲۰۰۲) در پژوهش خود در رابطه با بررسی عوامل تأثیرگذار بر محدودیت مشارکت زنان روستایی در آفریقای جنوبی نشان دادند که بیشتر زنان در آن منطقه بیسواد بودند یا سطح تحصیلات بسیار پایینی داشتند که این مسئله به کاهش مشارکت آنان در فعالیتهای اقتصادی منجر شده است. افزون بر این، زنان روستایی اعتماد به نفس پایینی داشتند و روحیه کارآفرینی و نوآوری نداشتند. در این مطالعه، سیاستهای دولتی که به انزوا، محدود شدن و در حاشیه قرار گرفتن زنان روستایی منجر میشوند، به عنوان مهمترین عامل بازدارنده فعالیت اقتصادی زنان روستایی مد نظر قرار گرفت.

نانا فابو^۲ (۲۰۰۶) در بررسی وضعیت اقتصادی زنان روستایی در کامرون دریافت که بیشتر زنان روستایی از نظر اقتصادی به شوهران خود وابسته هستند و دسترسی محدود آنان به منابعی همچون آموزش و تسهیلات

۱. Bamgose and Kong

۲. Fabu- Nana

بانکی سبب تشدید این وابستگی شده است. افزون بر این، براساس نتایج تحقیق، عوامل و هنجارهای فرهنگی و بی اعتمادی مردان به زنان برای کار در بیرون از منزل، از دیگر عوامل بازدارنده مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی بودند.

لوسیندیلو، موسی و اکارو^۱ (۲۰۱۰) در تحقیق خود درباره موانع مشارکت زنان در کشور تانزانیا به این نتیجه گیری رسیدند که سطح تحصیلات، نوع محل اقامت، وضعیت تاهل، مذهب، منطقه اقامت و سن، با سطوح مختلف بر مشارکت و یا عدم مشارکت زنان تاثیر گذار هستند. نتایج تحقیق این محققان نشان داد که نوع محل اقامت، گروه سنی و منطقه محل سکونت دارای تاثیر بیشتری نسبت به آموزش و مذهب در مشارکت ضعیف تر زنان در این کشور دارند. ال بوتمه^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان "موانع مشارکت بانوان فلسطینی در کار آفرینی و بازار کار فلسطین اشغالی" به این نتیجه رسید که علی رغم تمام موانع و مشکلات پیش روی زنان فلسطینی، در سالهای اخیر رشد درصد زنان شاغل نسبت به گذشته شده است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که محدودیتهای سیاسی، تقاضای پایین برای نیروی کار زن، اعطای اعتبارات محدودتر به زنان و مردسالاری از عمده موانع پیش روی زنان فلسطینی در زمینه مشارکت آنها در فعالیت های اقتصادی است.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه گیری: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق را زنان فعال بلوچ و اعضای کمیسیون های امور بانوان شهر سراوان در استان سیستان و بلوچستان تشکیل می دهند که طبق برآوردها بالغ بر ۶۰۰ نفر می باشند. از این جامعه براساس فرمول کوکران تعداد نمونه آماری ۲۱۰ نفر بود که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار سنجش

در این پژوهش به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته صورت استفاده شد. ابتدا از طریق بررسی متن در زمینه پایه های نظریه موضوع پژوهش، شاخص های مختلف گردآوری شده و بر اساس محتوای موضوع، پرسشنامه اولیه طراحی شده است. اعتبار صوری و محتوای پرسشنامه توسط تعدادی از اساتید و صاحب نظران تأیید و به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار آن ۰.۸۷ بدست آمده است. پرسشنامه تحقیق دارای ۴۳ سوال بوده که در قالب ۵ متغیر: موانع فرهنگی، موانع اجتماعی، موانع اقتصادی، موانع قانونی و موانع آموزشی به بررسی موانع مشارکت زنان بلوچ پرداخته شده است. مقیاس اندازه گیری تحقیق طیف لیکرت پنج گزینه ای است که از ۱ (بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) نمره گذاری شده است. در این پرسشنامه از سوال ۱ تا ۸ به موانع فرهنگی، از سوال ۹ تا ۱۸ به موانع اجتماعی، از سوال ۱۹ تا ۲۹ به موانع اقتصادی، از سوال ۳۰ تا ۳۸ به موانع قانونی و از سوال ۳۹ تا ۴۳ به موانع آموزشی اختصاص داده شده است. پایایی خرده مقیاس های ذکر شده عبارتند از: ۰.۸۰ برای موانع فرهنگی، ۰.۶۴ برای موانع اجتماعی، ۰.۷۴ برای موانع اقتصادی، ۰.۷۲ برای موانع قانونی و ۰.۶۳ برای موانع آموزشی می باشند.

۱. Losindilo, Elisia., Mussa, AS., & Akarro, RRJ

۲. Al-Botmeh, Samia

یافته ها

جدول ۱. متغیر های جمعیت شناختی پژوهش

متغیر های جمعیت شناختی	فراوانی	درصد
دکتری	۱	۰/۵
فوق لیسانس	۲۴	۱۱/۴
لیسانس	۳۶	۱۷/۱
فوق دیپلم	۵۴	۲۵/۷
دیپلم	۹۵	۴۵/۲
دانشجو	۹۲	۴۳/۸
کارمند	۱۷	۸/۱
بیکار	۱۰۱	۴۸/۱
متاهل	۹۲	۴۳/۸
مجرد	۱۱۸	۵۶/۲

همانگونه که در جدول بالا مشخص است از میان افرادی که مورد پرسش قرار گرفتند ۰/۵ درصد افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری، ۱۱/۴ درصد آنها دارای مدرک فوق لیسانس، ۱۷/۱ درصد دارای مدرک لیسانس، ۲۵/۷ درصد دارای مدرک فوق دیپلم، ۴۵/۲ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند. از میان این افراد ۴۳/۸ درصد آنها دانشجو، ۴۸/۱ درصد بیکار و ۸/۱ درصد شاغل (کارمند) می باشند. همچنین توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان این پژوهش بر حسب تاهل نشان می دهد که ۴۳/۸ درصد از پاسخگویان متاهل و ۵۶/۲ درصد از آنها مجرد می باشند.

فرضیه اول: ساختار فرهنگی منطقه مانعی پیش روی زنان بلوچ برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه ساختار فرهنگی

عامل	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
ساختار فرهنگی	۲۸,۰۴	۶,۶۴	۵۴,۷	۰,۰۰۰

برای بررسی اولین فرضیه تحقیق با عنوان "ساختار فرهنگی منطقه مانعی پیش روی زنان بلوچ برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی" از آزمون تی تک نمونه ای استفاده شده است. همانگونه که جدول (۲) نشان می دهد براساس یافته های آزمون، ساختار فرهنگی جامعه بلوچستان یکی از موانعی است که باعث کاهش مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی شده است. با توجه به اینکه در این قسمت عامل ساختار فرهنگی کلی می باشد شرح کامل محتوای عوامل ساختار فرهنگی منطقه باعث کاهش مشارکت زنان بلوچ می باشد در جدول ۵ ذکر شده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی نظرات پاسخگویان نسبت به ساختار فرهنگی

عامل	متغیرها	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	انحراف معیار
نی ان فر س و ر ا ن	باورهای سنتی و باقیمانده از گذشته مبنی بر بی ارزش بودن کار زنان	۶,۲	۲۱,۹	۲۱,۹	۱۸,۱	۳۱,۲	۳,۴۸	۱,۳۰
	وجود فرهنگ مرد سالاری	۵,۲	۱۴,۸	۱۸,۱	۳۵,۷	۲۶,۲	۳,۶۲	۱,۱۷
	تعصبات خانوادگی	۴,۸	۱۷,۶	۱۷,۱	۲۶,۷	۳۳,۸	۳,۶۷	۱,۲۴
	وجود تبعیضات فرهنگی	۸,۶	۱۸,۱	۱۹,۰	۲۶,۲	۲۸,۱	۳,۴۷	۱,۳۰
	آداب و سنن غلط نظیر خرافات و تقدیرگرایی	۱۱,۹	۱۹,۰	۱۷,۶	۲۶,۲	۲۵,۲	۳,۳۸	۱,۳۵
	نابرابری طبقاتی بین زن و مرد	۶,۲	۱۸,۱	۲۰,۰	۲۸,۱	۲۷,۱	۳,۵۳	۱,۲۴
	ارزش قابل نشدن به تجربه و دانش زنان	۸,۱	۲۱,۹	۱۱,۹	۲۸,۶	۲۹,۵	۳,۴۹	۱,۳۳
	باور و نگرش منفی نسبت به توانایی زنان	۸,۱	۱۹,۰	۲۰,۵	۲۷,۱	۲۵,۰	۳,۴۲	۱,۲۸

در جدول (۳) عوامل فرهنگی تاثیر گذار بر مشارکت زنان براساس دیدگاه پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفتند. همانگونه که در جدول (۳) مشاهده می شود ساکنین جامعه نمونه معتقد هستند که وجود فرهنگ مردسالاری و تعصبات خانوادگی مهمترین موانع ساختار فرهنگی منطقه می باشند و این عوامل در کنار سایر شاخصه های فرهنگی منطقه باعث کاهش نقش آفرینی زنان بلوچ در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده است.

فرضیه دوم: ساختار اجتماعی منطقه مانعی پیش روی زنان بلوچ برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه ساختار اجتماعی

عامل	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
ساختار اجتماعی	۳۶,۴۱	۵,۸۳	۸۳,۰۱	۰,۰۰۰

برای بررسی دومین فرضیه تحقیق با عنوان "ساختار اجتماعی منطقه مانعی است پیش روی زنان بلوچ برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی" از آزمون t استفاده شد و برای تحلیل عوامل اجتماعی موثر بر گویه ساختار اجتماعی از شاخص فراوانی و میانگین بهره گرفته شده است. همانگونه که از جدول بالا مشخص است از بررسی این فرضیه می توان نتیجه گیری کرد که ساختارهای اجتماعی حاکم در منطقه

یکی از موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی می باشند. با توجه به اینکه در این قسمت عامل ساختار اجتماعی کلی می باشد شرح کامل محتوای عوامل ساختار اجتماعی منطقه باعث کاهش مشارکت زنان بلوچ می باشد در جدول ۵ ذکر شده است.

جدول ۵. توزیع فراوانی نظرات پاسخگویان نسبت به ساختار اجتماعی

عامل	متغیرها	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	انحراف معیار
تربیت خانوادگی و کمتر اجتماعی شدن دختران نسبت به پسران		۱۳٫۸	۱۸٫۶	۱۷٫۱	۲۶٫۲	۲۴٫۳	۳٫۲۸	۱٫۳۷
در نظر گرفتن خود بعنوان جنس دوم		۱۳٫۸	۱۷٫۶	۱۸٫۱	۲۷٫۶	۲۱٫۹	۳٫۲۹	۱٫۳۷
در مجموع بالا بودن نرخ بی سوادی زنان منطقه در قیاس با مردان		۶٫۷	۱۷٫۱	۲۰٫۵	۲۷٫۶	۲۸٫۱	۳٫۵۴	۱٫۲۴
حجم زیاد فعالیت زنان در خانه		۴٫۳	۱۳٫۸	۲۰٫۰	۳۵٫۲	۲۶٫۷	۳٫۷	۱٫۱۳
کم بودن نسبی اطلاعات و دانش زنان		۶٫۲	۱۸٫۶	۲۳٫۳	۲۹٫۰	۲۲٫۹	۳٫۴۳	۱٫۲۰
عدم احساس ضرورت توسط زنان برای مشارکت در عرصه های مختلف		۵٫۲	۲۵٫۲	۱۶٫۷	۲۹٫۵	۲۳٫۳	۳٫۴	۱٫۲۳
بطور نسبی عدم وجود روحیه رهبری بین زنان		۶٫۲	۱۷٫۶	۲۰٫۰	۲۷٫۶	۲۸٫۶	۳٫۵۴	۱٫۲۴
تاکید بر نقش مادر		۲٫۶	۱۶٫۲	۱۵٫۲	۳۳٫۳	۳۲٫۴	۳٫۷۶	۱٫۱۵
باورها، برداشتهای دینی و تعصبات مذهبی		۴٫۸	۱۶٫۶	۱۸٫۱	۳۱٫۵	۲۸٫۶	۳٫۷۵	۱٫۲۱
پایین بودن اعتماد بنفس در بین دختران نسبت به پسران		۱٫۰	۱٫۰	۲٫۴	۱٫۴	۹۴٫۳	۴٫۸۷	۰٫۵۷

تولید شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

جدول (۵) گویای این موضوع است که ساکنین جامعه نمونه بر این باور می باشند که پایین بودن اعتماد به نفس در بین دختران نسبت به پسران، تاکید بر نقش مادر و باورها، برداشتهای دینی و تعصبات مذهبی از عمده ترین موانع اجتماعی تاثیرگذار بر فعالیت خارج از منزل زنان بلوچ هستند. فرضیه سوم: موانع اقتصادی در منطقه مانعی پیش روی زنان بلوچ برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه موانع اقتصادی

عامل	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
موانع اقتصادی	۳۹٫۴۸	۷٫۳۵	۷۱٫۹۹	۰٫۰۰۰

همانگونه که نتیجه آزمون تی تک نمونه ای نشان می دهد، موانع اقتصادی از جمله موانع اساسی موجود بر سر راه زنان بلوچ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی هستند.

جدول ۹. توزیع فراوانی نظرات پاسخگویان نسبت به موانع قانونی

انحراف معیار	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	عامل
۱,۲۷	۷,۶	۱۴,۸	۱۷,۶	۳۰,۵	۲۹,۰	۳,۶	عدم وجود نگرش توسعه محور در برنامه ریزیهای اشتغال و بالابردن مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف در سطح کلان
۱,۱۹	۳,۸	۱۶,۲	۱۶,۷	۳۰,۰	۳۳,۳	۳,۷۲	سیاست های محدود کننده در انتخاب شغل برای زنان
۱,۲۳	۷,۱	۱۲,۹	۱۷,۶	۳۲,۴	۳۰,۰	۳,۷۳	موانع و محدودیت های قانونی و ناعادلانه بودن معیارهای استخدام در اشتغال زنان
۱,۲۱	۵,۷	۱۶,۲	۲۱,۴	۲۹,۰	۲۷,۶	۳,۵۶	عدم آشنایی زنان با حقوق اساسی خود
۱,۱۷	۷,۱	۱۴,۸	۲۰,۰	۳۷,۶	۲۰,۵	۳,۴۹	نبود قوانین مرتبط جهت تسهیل در امور مربوط به زنان
۱,۲۲	۴,۸	۱۷,۶	۱۴,۳	۳۰,۵	۳۱,۴	۳,۶۷	فقدان نظام مالیاتی حمایتی کننده برای زنان
۱,۲۲	۸,۱	۱۲,۴	۲۱,۹	۳۱,۴	۲۶,۲	۳,۵۶	نبود فعالیت مداوم دموکراتیک، یکی از عوامل اصلی و مانع مشارکت فعالانه زنان در حوزه سیاست است
۱,۳۸	۱۲,۴	۱۴,۳	۱۶,۷	۲۸,۶	۲۸,۱	۳,۴۷	عدم آشنایی برخی از مسوولان سیاسی با خواسته ها و نگرشهای زنان

۳,۵۶
۳,۴۹

طبق جدول ۹ ساکنین جامعه نمونه بر این باورند که موانع و محدودیت های قانونی و ناعادلانه بودن معیارهای استخدام در اشتغال زنان چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی و سیاست های محدود کننده در انتخاب شغل برای زنان از مهمترین چالشهای اشتغال و مشارکت زنان بلوچ هستند. فرضیه پنجم: موانع آموزشی مانعی پیش روی زنان بلوچ برای مشارکت در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون فرضیه موانع آموزشی

عامل	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
موانع آموزشی	۱۷,۸	۴,۰۰	۵۳,۵۲	۰,۰۰۱

جدول ۱۰ نشان می دهد، براساس یافته های آزمون تی موانع آموزشی یکی از موانع مهمی است که باعث کاهش مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی شده است.

جدول ۱۱. توزیع فراوانی نظرات پاسخگویان نسبت به موانع آموزشی

عامل	متغیرها	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	انحراف معیار
۳ ۲ ۱ ۰	نارسایی در آموزش های کاربردی	۷,۶	۱۳,۳	۱۹,۰	۳۱,۹	۲۸,۱	۳,۵۹	۱,۲۳
	عدم کسب تجربه عملی کافی در زمینه فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی در طول تحصیل	۷,۶	۱۲,۴	۱۹,۰	۳۲,۴	۲۸,۶	۳,۶۱	۱,۲۳
۳ ۲ ۱ ۰	سیاست های محدود کننده در انتخاب رشته های تحصیلی	۱۰,۰	۱۳,۸	۲۱,۰	۲۶,۷	۲۸,۶	۳,۵	۱,۳۰
	نبود مراکز و برنامه های آموزشی برای آشنایی هر چه بهتر زنان با مهارتهای مختلف	۹,۰	۱۱,۹	۱۸,۶	۳۰,۵	۳۰,۰	۳,۶۲	۱,۲۷
	فقدان رسانه های گروهی و جمعی مسوولیت پذیر جهت افزایش آگاهی و فراهم نمودن مشارکت همه جانبه زنان	۷,۱	۱۸,۶	۲۰,۰	۲۸,۶	۲۵,۷	۳,۴۷	۱,۲۵

طبق جدول ۱۱ همانگونه که مشاهده می شود ساکنین جامعه نمونه معتقدند که نبود مراکز و برنامه های آموزشی برای آشنایی هر چه بهتر زنان با مهارتهای مختلف و عدم کسب تجربه عملی کافی در زمینه فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی در طول تحصیل بیشترین تاثیرات را در اندک بودن مشارکت زنان دارند.

جدول ۱۲. رتبه بندی موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی بر اساس اهمیت و تاثیرگذاری

عامل	میانگین رتبه	میانگین	انحراف معیار	رتبه
ساختار فرهنگی	۲,۵۳	۲۸,۰۵	۶,۶۴	۴
ساختار اجتماعی	۴,۱۶	۳۶,۴۱	۵,۸۴	۲
موانع اقتصادی	۴,۵۶	۳۹,۴۷	۷,۳۴	۱
موانع قانونی	۲,۶۴	۲۸,۷۴	۵,۸۳	۳
موانع آموزشی	۱,۱۱	۱۷,۷۹	۴,۰۰	۵

جدول ۱۲ نشان دهنده رتبه بندی موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی بر اساس اهمیت و تاثیرگذاری آنها است. برای رتبه بندی مهمترین موانع از نظر پاسخ دهندگان از آزمون فریدمن استفاده شده است. همانگونه که از جدول پیدا است بر اساس نظر پاسخگویان موانع اقتصادی و ساختار اجتماعی بیشترین و موانع آموزشی دارای کمترین تاثیر بر میزان مشارکت زنان بلوچ در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی هستند.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در مورد وضعیت اشتغال زنان در آسیا و اقیانوسیه تبعیض های جنسیتی در آسیا و اقیانوسیه، هر سال بطور متوسط ۴۲ تا ۴۷ میلیارد دلار به اقتصاد کشورهای این مناطق زیان وارد می کند و بخش عمده این ضرر هم به علت از بین رفتن یا بلااستفاده

ماندن فرصت‌های شغلی مناسب زنان و محدود ماندن اشتغال فعال زنان به وجود می‌آید. ادبیات تحقیق در باب مشارکت و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و اشتغال نشان دهنده نظریات متفاوتی در در خصوص دلایل مشارکت و یا عدم مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. برخی از پژوهش‌ها نشان دهنده این موضوع هستند که عوامل و موانع درونی شامل ساختار جنسیتی و نقش و وظایف زنان در خانه، در قبال همسر و فرزندان، در عدم مشارکت زنان تاثیر بیشتری دارند در حالیکه نتایج پژوهشهای دیگر گویای این موضوع اند که موانع بیرونی شامل فرهنگ و باورهای عمومی، باورهای دینی و مذهبی و ارزشهای رایج در جامعه تاثیر بیشتری در کاهش مشارکت زنان دارند. هدف این پژوهش با توجه به ساختار سنتی جامعه بلوچستان یافتن مهمترین موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که ساختار فرهنگی، ساختار اجتماعی، موانع اقتصادی، موانع قانونی و موانع آموزشی در پایین بودن مشارکت زنان بلوچ تاثیر گذاراند اما از بین آنها سهم موانع اقتصادی و ساختار اجتماعی از سایر موانع بیشتر بوده است. نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که از میان موانع ساختار فرهنگی، وجود فرهنگ مردسالاری و تعصبات خانوادگی مهمترین موانع و از میان عوامل اجتماعی پایین بودن اعتماد بنفس در بین دختران بلوچ نسبت به پسران، تاکید بر نقش مادر و باورها از عمده ترین موانع اجتماعی پیش روی زنان بلوچ می‌باشند. نتایج پژوهش گویای این موضوع است که ناکافی بودن برنامه‌های دولت برای حمایت از کسب و کارهای خانگی زنان و سرمایه گذاری اندک دولت جهت اشتغال زنان از مهمترین چالشهای پیش روی زنان بوده و ناعادلانه بودن معیارهای استخدام در اشتغال زنان چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی و سیاست‌های محدود کننده در انتخاب شغل برای زنان از مهمترین چالش‌های اشتغال و مشارکت زنان می‌باشند. براساس یافته‌های تحقیق در جدول شماره (۱۱)، نبود مراکز و برنامه‌های آموزشی برای آشنایی هر چه بهتر زنان با مهارت‌های مختلف و عدم کسب تجربه عملی کافی در زمینه فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی در طول تحصیل بیشترین تاثیر را در اندک بودن مشارکت زنان از نظر پاسخگویان دارد و در نهایت بر اساس نظر پاسخگویان موانع اقتصادی و ساختار اجتماعی بیشترین تاثیر و موانع آموزشی کمترین اثر را بر میزان مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند. بطور کلی می‌توان گفت که موانع پیش روی زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه بلوچستان بمانند سایر نقاط کشور باعث مشارکت کمتر این بخش از جامعه شده است. از آنجاییکه در منطقه بلوچستان پژوهشی در رابطه با موانع مشارکت زنان بلوچ در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی انجام نشده است این پژوهش تلاشی است جهت پر کردن این خلا و فراهم آوردن این امکان برای مسئولین و متولیان امر که در جهت توانمندسازی و تغییر سازوکارهای اجتماعی این منطقه تلاش نموده تا میزان مشارکت زنان بلوچ در جامعه بطور واقعی افزایش یابد. با توجه به اینکه زنان تاثیر بسزایی در توسعه پایدار هر منطقه دارند لازم است هر چه بیشتر در حمایت از زنان بلوچ و آموزش آنها تلاش شود. با توجه به نتایج این تحقیق پیشنهادات ذیل جهت بهبود وضعیت موجود ارائه می‌گردد: تلاش در جهت تغییر نگرش جامعه نسبت به توانایی‌های زنان از طریق برنامه ریزی‌های فرهنگی در جامعه سنتی بلوچستان، تلاش جهت توانمندسازی زنان با استفاده از امکانات ارگان‌های دولتی جهت افزایش مشارکت زنان بلوچ، تلاش جهت افزایش سواد آموزی و بالابردن سطح آگاهی زنان با توجه به آماری بالای بیسوادی در بلوچستان بخصوص در بین زنان، ایجاد سازمانهای غیر دولتی توسط زنان بلوچ جهت حمایت از زنان،

تشکیل تعاونی های مخصوص زنان جهت افزایش نرخ مشارکت های اقتصادی زنان، برگزاری کارگاه ها و همایش ها جهت آشناسازی زنان با فعالیت های مختلف اقتصادی در جهت ارتقاء مشارکت آنان، سیاست گذاری های دولت جهت برطرف نمودن شکاف جنسیتی موجود در جامعه در زمینه استخدام، به کارگیری و حمایت از کارآفرینان زن، برگزاری دوره های آموزشی برای زنان و آشنایی با حقوق خود، فراهم کردن زمینه های خودباوری در زنان و جانشین کردن فرهنگ مسئولیت مشترک به جای فرهنگ مرد سالاری در جامعه.

منابع

- از کیا، مصطفی، صفری شالی، رضا، و رحمانپور، اسماعیل. (۱۳۸۴). نظریه های توسعه. تهران: انتشارات لویه.
- اسفیدانی، محمدرحیم. (۱۳۸۱). موانع دستیابی زنان به پست های مدیریت. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱ (۴): ۶۷-۸۵.
- پاسبان، فاطمه. (۱۳۸۵). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران (۱۳۴۷ تا ۱۳۸۳). اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۴ (۵۳): ۱۵۳-۱۷۶.
- دیوسالار، اسداله، نقوی، محمدرضا، و پایدار، ابوذر. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل موانع فعالیت زنان روستایی با استفاده از روش میزان انحراف از اپتیمم نمونه موردی: (روستاهای چهارقلعه شهرستان بهشهر). مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۱۰ (۳، پیاپی ۳۲): ۸۷-۱۰۹.
- زنجانی، حبیب اله، و آبرون، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی موانع ارتقای شغلی زنان و اثر آن بر بهره وری (بررسی موردی: زنان شاغل در دانشگاه صنعتی شریف). مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱ (۴۲): ۵۰-۶۰.
- زندگی، فاطمه، دامن کشیده، مرجان، و مراد حاصل، نیلوفر. (۱۳۹۱). نقش رشد اقتصادی بر مشارکت زنان در کشورهای منتخب آسیا. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۳ (۱۱): ۱۱۱-۱۲۵.
- عامری، محسن، سهرابی رنانی، مریم، حسینی راد، مهدی، و دائی، فاطمه. (۱۳۹۳). موانع مشارکت زنان در فعالیت های فرهنگی. مطالعات فرهنگی، ۸ (۲، پیاپی ۲۴): ۲۱-۳۶.
- علی حسینی، علی، و نظری، مینا. (۱۳۹۵). بررسی مشارکت سیاسی زنان در ساختار مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۷ (۲۷): ۷-۲۱.
- علیدوست، سمیه، و لشگر آرا، فرهاد. (۱۳۹۲). موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان گرمسار). پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، ۶ (۱، پیاپی ۲۱): ۷-۱۶.
- علیزاده، مرجان. (۱۳۸۹). نقش اشتغال زنان در توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۲ (۵): ۴۹-۵۹.
- علیقلی، منصوره. (۱۳۹۵). رابطه نیروی کار زنان و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی. مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، ۱۴ (۲): ۶۳-۸۶.
- فرضی زاده، زهرا، متوسلی، محمود، و طالب، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی جامعه شناختی توانمندی

- اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل موثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی. توسعه روستایی (نامه علوم اجتماعی)، ۵ (۱): ۱-۴۰.
- کجیاف، محمدباقر، و کاظمی، ملیحه سادات. (۱۳۸۷). بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی. مطالعات اجتماعی- روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۶ (۳، پیاپی ۱۸): ۱۳۳-۱۴۷.
- موسوی، سیده سمیه، احمدرضا، عمانی، و اللهیاری، محمد صادق. (۱۳۸۹). بررسی موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت های تولیدی زراعی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۲ (۵): ۶۱-۶۹.
- میرغفوری، سیدحبيب اله، صیادی تورانلو، حسین، و فهیمی هنزایی، سعیده. (۱۳۸۶). شناسایی و رتبه بندی موانع موثر بر فعالیتهای کارآفرینی زنان با استفاده از تکنیک های MCDM: زنان کارآفرین استان یزد. مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، ۱۱ (۲): ۳۳-۶۰.
- نجاتی آجی بیشه، مهران، و جمالی، رضا. (۱۳۸۶). شناسایی و رتبه بندی موانع ارتقای شغلی زنان و بررسی ارتباط آن با ابعاد عدالت سازمانی: زنان شاغل دانشگاه یزد. مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، ۱۱ (۳): ۵۶-۹۱.
- Al-Botmeh, Samia. (2013). Barriers to female labour market participation and entrepreneurship in the occupied Palestinian territory. The Centre for Development Studies – Birzeit University and the YWCA of Palestine, 2013.
- Losindilo, Elisia., Mussa, AS., & Akarro, RRJ. (2010). Some factors that hinder women participation in social, political and economic activities in Tanzania. Arts and Social Sciences Journal, 2010(4): 1-10.
- Nana-Fabu, S. (2006). An Analysis of the economic status of women in Cameroon. Journal of International Women's Studies. 8 (1): 148- 162.
- Kongolo, M. & Bamgose, O. (2002). Participation of rural women in development: A case study of Tsheseng, Thintwa, and Makhalaneng Villages, South Africa. Journal of International Women's Studies. 4 (1): 79- 92.

Barriers to Baluch Women's Participation in Economic and Social Activities

M. Karimzadeh*
M. Fayazi**
F. Mirkazahi Rigi***

Abstract

This study aimed to investigate the barriers to Baluch women's participation in economic and social activities in Sistan and Baluchistan province through using the descriptive - survey method. According to official data, rate of economic and social participation of women in Sistan and Baluchistan province is less than other provinces. Therefore, the sample of the study consisted of 210 social Baluch women activist who have been selected by simple random sampling. A questionnaire developed by the researcher was used for data collection procedure, and for data analysis Student t-test, Friedman test, frequency distribution, mean and standard deviation were applied. The results indicated that the cultural structure, social structure, economic barriers, legal barriers and educational obstacles were influential in low participation of Baluch women. According to the respondents, economic barriers and social structure had the greatest effect on the participation of Baluch women in economic and social activities and educational obstacles had the least effect.

Keywords: Participation, Social activities, Economic, Baluch Women.

*Assistant Professor in Economics, Higher Educational Complex of Saravan, Iran (corresponding author, email: Karimzadeh111@yahoo.com)

**B.A Student of Economics, Higher Educational Complex of Saravan, Iran.

***B.A Student of Economics, Higher Educational Complex of Saravan, Iran.